

ارسال: ۱۴۰۰/۵/۶

پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۵

10.22034/nf.2024.240544.1012

سبک‌شناسی انتقادی دستورالوزاره

(وزارت‌نامه‌ای از عهد اتابکان فارس)

نرگس اسکویی* (دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، بناب، ایران)

چکیده: اتابکان فارس، با مصالحه با مغولان، در یکی از پراشوب‌ترین و خون‌بارترین دوره‌های تاریخ ایران، ملجأ امنی برای فعالیت اهل هنر و علم فراهم آوردند. آنان در شیوه حکومت‌داری و علی‌الخصوص استحکام بنیاد دیوان‌سالاری و تقویت نهاد وزارت از سلجوقیان (که قوی‌ترین دستگاه دیوان‌سالاری و وزارت پس از ساسانی را در ایران احیا نمودند) تبعیت کردند. دستورالوزاره، نوشته محمود بن محمد اصفهانی، که درس‌نامه‌ای برای وزیران و دیوانیان است، محصول آن امنیت و این نظام دیوان‌سالاری است. مسئله اصلی این تحقیق شناساندن ژرف‌ساخت‌های فکری، فرهنگی و سیاسی کتاب دستورالوزاره، به‌عنوان یکی از نمونه‌های دستور/ وزارت‌نامه‌نویسی فارسی دوره اتابکان فارس، از طریق تحلیل لایه‌های سبکی این متن بوده است. دستاوردهای حاصل از این تحقیق، که به روش ترکیبی (تحلیلی - توصیفی - استدلالی) انجام یافت، بدین ترتیب است: در لایه واژگانی، فراوانی رمزگان‌های مربوط به نهادهای اخلاق، علم و ادب و هنر و نیز مذهب بیش و پیش از رمزگان‌های سیاسی و حکومتی است که نشان از چربش زیربنای اخلاقی - تربیتی کتاب بر مبانی سیاسی و حتی تاریخی آن دارد. در لایه نحوی، غلبه و جهت اخباری همراه با قطعیت بسیار در شیوه روایتگری متن بیانگر صراحت و اعتقاد راسخ در مؤلفه‌های گفتمانی اثر است؛ در لایه بلاغی، فراوانی و تأثیرگذاری عمده از آن ابزارهای بلاغی استدلالی و استشهادی گفتمانی (نظیر اقتباس، تضمین، تلمیح، تمثیل،

* noskooi@yahoo.com

ارسال المثل و...) است، اما تصاویر بلاغی متن بیشتر در خدمت تکلفات مرسوم نثر مصنوع است تا منظورهای گفتمانی و ایدئولوژیکی. در لایه کاربردشناسی، کنش بیانی/ اظهاری در مرتبه نخست و کنش ترغیبی در مرتبه بعدی قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد که نویسنده چگونه از این کنش برای رسمیت دادن به ارزش‌های حاکم بر دیدگاه‌های ارزشی (اخلاقی/ آرمانی) خود استفاده کرده است. کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری، وزارت‌نامه‌نویسی، دستورالوزاره، سبک‌شناسی انتقادی، لایه‌های سبکی

۱. مقدمه

حکومت اتابکان فارس یا سلغریان (۵۴۳-۶۸۵) با شورش سنقر بن مودود علیه سلاجقه عراق در فارس پایه‌ریزی شد. این سلسه در طول دوره خوارزمشاهیان و تا اوایل عصر ایلخانان مغول قدرت خود را حفظ کرد. اتابکان فارس در طول زمامداری خود، در مقاطع مختلف، از سویی با سلاجقه، خلفای عباسی، مغولان و دیگر حاکمان محلی در ارتباط و گهگاه درگیر بودند و از دیگر سو، در بحبوحه یورش مغول و دیگر حوادث آن دوره، به عنوان ملجأ و پناه اندیشمندان و اهل تصوف عمل کردند؛ آن‌چنان که صاحب دستورالوزاره، که بر اثر آشوب در زادگاهش، اصفهان، به پارس کوچ کرده بود، پس از مدتی گمنامی و عسرت، به ارشاد یکی از یارانش، کتابی در آداب وزارت تألیف و به وزیر اتابکان، عمیدالدین ابونصر اسعد ابرزی، پیشکش کرد. این وزیر دانشمند سعد زنگی در زمان فرزند سعد، یعنی ابوبکر، به زندان افتاد و در آنجا درگذشت. اصفهانی، به واسطه حمایت وزیر و نیز نگارش این دستور/ وزارت‌نامه، در شیراز اعتباری کسب کرده است و چنان‌که انزابی‌نژاد (اصفهانی، ص ۱۹) ذکر می‌کند، در آثار آن دوره، همچون شیرازنامه زرکوب شیرازی (قرن هشتم)، از وی یاد شده.

دوره میانه تاریخ ایران را می‌توان عهد کمال دیوان‌سالاری و ارتقای رتبه مقام وزارت به شمار آورد: «با چیرگی ترکان سلجوقی بر ایران، وزارت نهادی پراهمیت گردید، چون شاهان ترک، در بهترین حالت، جز جهان‌گیری، هنر دیگری نمی‌داشتند و رتق و فتق امور کشور به طور کلی به وزیر داده می‌شد». (طباطبایی، ص ۳۰) سلجوقیان و دیگر حکومت‌های پیرامون آنان در این دوره از نهاد وزارت برای مشروعیت بخشی به حکومت خود بر ایران و نیز برای مشاورت در امور مهم مملکت‌داری سود جستند. وزیران ایرانی نام‌آوری در این دوره تاریخی به عرصه آمدند، نظیر عمیدالملک کندی و خواجه نظام‌الملک توسی، که خدمات مهمی به زبان فارسی و عمران و آبادانی شهرها و گسترش فنون و دانش‌ها کردند. تاریخ نهاد دیوان‌سالاری و جایگاه قوی وزارت و وزیران در این عهد مورد توجه مورخان و نویسندگان و محققان بوده است و اشخاصی همچون انوشیروان بن خالد کاشانی (م ۵۳۳ ق)،

نویسنده کتاب نفثة المصدور، و نجم‌الدین ابوالرجا قمی، صاحب تاریخ الوزراء، که هر دو در دوره مذکور می‌زیسته‌اند، اساس اثر تاریخی خود را بر شرح حال وزرا و دیگر دیوان‌سالاران آن روزگار نهاده‌اند. آراستگی به فنون کتابت و بلاغت و دسترسی مستقیم به اسناد و مدارک حکومتی جزو خصایص اصلی وزارت‌نامه‌نویسان است. (صفا، ص ۴۳۴)

محتوای غالب در وزارت‌نامه‌ها - مثل همه انواع سیاست‌نامه‌ها - مضامین آموزشی و اخلاق‌گرا برای طبقه وزیران و دیوانیان است. کتاب‌های تاریخی - تعلیمی (حکمی)، نظیر سیاست‌نامه‌ها، وزارت‌نامه‌ها و تحفة الملوک‌ها، ارزش مردم‌شناختی و جامعه‌شناختی دارند، هم از این نظر که وجهه کلی بنیادهای مدنی (نظیر خانواده) و اخلاق، دیانت و سیاست را در دوره‌های مختلف حکومتی به شکلی کمابیش راستین انعکاس می‌دهند و هم اینکه با شیوه بیان نامستقیم و پندآموز جو سیاه خودکامگی را می‌نمایند، چراکه آنجا که گفت‌و شنود آزاد را مجال باشد، نیازی به پند و اندرز نیست (آدمیت و ناطق، ص ۱۱). انتساب قریب به اتفاق وزارت‌نامه‌نویسان به دربارها و دیوان‌های حکومتی، در طول قرون متمادی، این منابع تاریخی را مقید و مکلف به رعایت جانب قدرت و التزام به ایدئولوژی و گفتمان تک‌صدایی حاکم بر جامعه می‌کرد. تاریخ‌نویسی ایرانی قرن‌ها تحت سیطره قدرت سیاسی حاکم قرار داشته است و مورخان راوی شرایط زیست حاکمان و کنش‌های آنها به گونه گزیده بوده‌اند. وضعیت عمومی جوامع و معیشت توده مردم بازتاب چندانی در این متن‌ها ندارد. این امر خصوصیت پررنگ وزارت‌نامه‌ها هم هست. حکومت‌های غیرایرانی تاریخ ایران، به‌ویژه سلجوقیان، از نظام دیوان‌سالاری، وزرا و کارکنان دیوانی ایرانی و در نتیجه از تاریخ‌نویسی به‌عنوان ابزارهایی برای مشروعیت‌بخشی و بقای دولت‌های خود استفاده می‌کردند. درعین حال، متون تاریخ‌نگار، همچون هر متن دیگری، منابعی متضمن انعکاس زیست - جهان‌مورخ و سپس بازنمایی آن در زبان وی است. احساس تعهد و بازنمایی ارزش‌ها چیزی است که همواره دغدغه نویسنده متعهد بوده است، نویسنده‌ای که به گفته ژان پل سارتر «آن رؤیای ناممکن را از سر به در کرده است که نقش بی‌طرفانه و فارغانه‌ای از جامعه بشری ترسیم کند». (سارتر، ص ۴۲)

بیان مسئله، ضرورت، اهداف و پرسش‌های تحقیق

وزارت‌نامه‌های پارسی، اگرچه از منظرهای سیاسی و تاریخی در چند تحقیق مورد تحلیل قرار گرفته‌اند، از لحاظ گفتمان حاکم بر آنها، که راهیابی به ارتباط‌های پیدا و ناپیدای بین متن و فرامتن است، تاکنون موضوع سنجش و پژوهش نبوده‌اند. یافتن نکات پنهان فکری در ژرف‌ساخت گفتمانی متن منجر به شناخت‌های عمیق‌تری از متن خواهد شد که از طریق پژوهش‌های

زبان‌شناختی و سبک‌شناختی مبتنی بر اصول زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان تاریخی و فرهنگی متون میسر گشته است و مسئله اصلی این تحقیق بر همین اساس شکل یافته. هدف این پژوهش آن است که یکی از نمونه‌های نوع وزارت‌نویسی، یعنی کتاب دستورالوزاره، را در جست‌وجوی ایدئولوژی پنهان در لایه‌های مختلف متن تحلیل کند. در این تحقیق، از شیوه ترکیبی (تحلیلی-توصیفی-استدلالی) بهره جسته‌ایم، برای پاسخ دادن به پرسش‌های اصلی تحقیق:

۱. در لایه‌های سبکی متن دستورالوزاره چه مختصات معناداری غلبه دارد؟
۲. مختصات سبکی شاخص در لایه‌های مختلف سبکی این متن چه پیوندی با عوامل فرامنتی (سیاست، قدرت، مذهب...) اثر دارد؟
۳. مختصات سبکی غالب متن در خدمت تبیین چه اهداف ایدئولوژیکی‌ای است؟
۴. آیا سوگیری معناداری در گفتمان حاکم بر متن وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

نویسنده این مقاله (اسکویی) با همراهی همکارش (جعفریان، زهرا) پیش‌تر در مقالات «سبک‌شناسی انتقادی تاریخ‌الوزراء» و «تحلیل بازنمایی ایدئولوژی در دستورالوزراء نوشته غیث‌الدین خواندمیر» دو وزارت‌نامه مذکور را با استفاده از نظریه سبک‌شناسی انتقادی و با توجه به بافت موقعیتی تولید اثر تحلیل کرده‌اند. قنبری، کزازی و سالمیان (۱۳۹۷)، در مقاله «شناخت یکی از متن‌های پنهان دیوان حافظ: (اثرپذیری حافظ از دستورالوزاره اصفهانی)» به بهره‌گیری حافظ از برخی تعبيرات و ترکیبات هنری این وزارت‌نامه پرداخته‌اند. این امر دلیل دیگری بر اهمیت و حسن شهرت کتاب دستورالوزاره در عهد خود بوده است. نویسنده مقاله حاضر، در جست‌وجوی خود، تحقیق دیگری نیافت که به نقد و بررسی مستقل دستورالوزاره پرداخته باشد.

۲. تحلیل گفتمان انتقادی و سبک‌شناسی انتقادی

تحلیل گفتمان انتقادی^۱ شاخه علمی‌ای بین‌رشته‌ای در زبان‌شناسی است که کارکرد زبان را در جامعه و سیاست بررسی می‌کند. این روش علمی نقادی از رهاوردهای تفکر پسانوگرایی (پست‌مدرنیسم) است و ریشه در آرای میشل فوکو دارد که معتقد است ما مجموعه‌ای از احکام را، تا زمانی که متعلق به صورت‌بندی گفتمانی مشترکی باشند، گفتمانی می‌نامیم. گفتمان متشکل از تعدادی از احکام است که می‌توان برای آن‌ها مجموعه‌ای از شرایط موجود را تعریف کرد. در این

1) critical discourse analysis

رویکرد از زبان‌شناسی بر آن‌اند که عواملی همچون بافت تاریخی، روابط قدرت و سلطه، نهادهای اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژی متن یا صورت زبانی و معانی جدید را به وجود می‌آورند (آفاگل‌زاده، ص ۱۱). در این روش مطالعاتی چندرشته‌ای، چگونگی تبلور و شکل‌گیری پیام واحدهای زبانی در ارتباط با عوامل بافت درونی زبان و نیز کلّ نظام زبانی و عوامل برون‌زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌شود. در تحلیل گفتمان انتقادی، معانی تازه‌ای از گفتمان قابل‌دستیابی است. در نتیجه، تحلیل گفتمان انتقادی بر نحوه‌ی بازتولید قدرت اجتماعی و سیاسی به‌وسیله‌ی متن و گفت‌وگو تأکید می‌کند.

در تحلیل گفتمان، تحلیل‌گر با دو عنصر کلیدی سروکار دارد: ۱. بافت متن و ۲. بافت موقعیت. منظور از بافت متن این است که عنصر زبانی در چهارچوب چه متنی قرار گرفته و جملات ماقبل و مابعد آن عنصر در داخل متن چه تأثیری در تبلور صوری، کارکردی و معنایی آن دارند؛ در بافت موقعیتی، عنصر یا متن در چهارچوب موقعیت خاصی که تولید شده است مدنظر قرار می‌گیرد. بافت‌های فرهنگی، اجتماعی، محیطی و سیاسی همگی از این نوع هستند. (بهرام‌پور، ص ۲۴)

با رویکرد سبک‌شناسی انتقادی^۲ می‌توان نحوه‌ی شکل‌گیری مفاهیم اجتماعی در زبان و شیوه‌های بازنمایی آن‌ها را تحلیل کرد. این نوع تحلیل مستقیماً تحت نفوذ اندیشه‌های فیلسوفانی مانند فوکو، سرل و روش‌های کاربردشناسی زبان، تحلیل گفتمان و زبان‌شناسی متنی انجام می‌گیرد، به گونه‌ای که زمینه‌کار با ابزارهای این روش‌های زبان‌شناختی را در بررسی متن‌های کوتاه و بلند برای سبک‌شناسی فراهم کند. مفاهیم بنیادی سبک‌شناسی انتقادی عبارت‌اند از: سبک، گفتمان، نظریه انتقادی، ایدئولوژی و قدرت. این رویکرد «اصطلاحی است برای اشاره به آن دسته از آثار سبک‌شناختی که روش‌هایی را بررسی می‌کنند که در آن‌ها مفاهیم اجتماعی از طریق زبان آشکار می‌شوند. زبان‌شناسی انتقادی و تحلیل گفتمان انتقادی این گرایش سبک‌شناختی را به طور گسترده‌ای الهام بخشیدند و بر آن اثر گذاشتند». (نورگارد و همکاران، ص ۲۶)

دیوان‌سالاری اتابکان و وزارت خواجه عمیدالدین ابونصر اسعد ابرزی

اتابکان فارس در تشکیلات دیوانی و سازمان اداری خود از الگوی دیوان‌سالاری سلجوقیان تبعیت کردند. نظام دیوان‌سالاری این عهد، به جهت تأثیرگذاری‌های عمده آن در تصمیم‌گیری‌های کلان

حکومتی و سیاسی، از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است. این نهاد در کنار نهاد درگاه یا سلطنت قرار داشت و وزیر اعظم، وزرای تحت نظر او و سایر عوامل دیوان‌سالاری آن را اداره می‌کردند. این نهاد در دولت سلجوقیان و دولت‌های تابعه آن، از جمله اتابکان فارس، متشکل بوده است از دیوان اعلی، که وزیر اعظم (صدر، دستور) عهده‌دار ریاست آن بوده، و چهار دیوان، یعنی دیوان استیفا و زمام، دیوان اشرف ممالک، دیوان عرض و دیوان انشا و طغرا، که زیر نظر دیوان اعلی اداره می‌شده‌اند. وزیر اعظم در مقام ریاست دیوان عالی‌ه ناظر بر حسن اجرای وظایف دیوان‌های دیگر بود (بازورث، ص ۱۳۸-۱۳۹). وزیر در دولت سلجوقی، به نیابت از سلطان، عهده‌دار تمام جنبه‌های تشکیلات کشوری بود (قزوینی و اقبال، ص ۲۲-۲۳). «و قاعدت آن بود که عارض زیر مستوفی نشیند و مشرف زیر طغرای» (ابوالزجاج قمی، ص ۶۱). در دیوان‌سالاری اتابکان، به چهار دیوان پیش‌گفته بایستی دیوان قضا را نیز افزود که مقاماتی چون قاضی، شحنه و محتسب در آن خدمت می‌کردند.

زبان و ادب فارسی در دوره اتابکان رونق یافت، زیرا پادشاهان سلغری حامی و مشوق شاعران و نویسندگان بودند و آنان را در دستگاه خود می‌پذیرفتند. چند تن از اتابکان خود صاحب ذوق بودند و اشعاری سروده‌اند، چنان‌که سنقر و سعد بن زنگی شعر می‌گفتند (نفیسی، ص ۱۰۱) و از چند تن از آنان، چون سلجوق شاه بن سلغر و سلغر شاه بن سعد بن زنگی، ابیاتی برجای مانده است (همان، ص ۱۷۹). جنید شیرازی از مشایخ و عرفای متعددی نام برده است که پادشاهان این سلسله به آنان ارادات می‌ورزیدند و در تکریمشان می‌کوشیدند. در مجالس اتابکان همواره ادیبان و شاعران شرکت می‌کردند، چنان‌که سعد بن زنگی یکی از دانشمندان وقت را، به نام حکیم افضل بامیانی، که عالم و حکیمی مبرز بود، به شیراز دعوت کرد و او را جزو معاشران و همنشینان خود قرار داد (قزوینی و اقبال، ص ۱۵۴). سعدی و مجد همگر از نام‌های بزرگی هستند که انتسابشان به این دربار معروف است. وزارت عمیدالدین برزی در دیوان اتابکان شاهد دیگری بر ادب‌دوستی و ادب‌پروری این سلسله و بهره‌مندی از ادبا و فضلا در بدنه تشکیلات دیوان، به‌ویژه دیوان انشا و رسالت، است.

عمیدالدین ابونصر اسعد بن نصر انصاری فالی، از وزیران، دانشمندان و شاعران اوایل سده هفتم، وزیر متبوع و ممدوح محمود بن محمد اصفهانی بود و کتاب دستورالوزاره به سفارش وی تألیف شد. وی مقام وزیری دیوان انشا و رسالت پنجمین پادشاه سلسله سلغری، اتابک مظفرالدین سعد بن زنگی (۵۹۴-۶۲۳) را عهده‌دار بود و در کنار شاعری و وزارت، به علت تبخّر در ادب فارسی و عربی، مکتوبات سعد بن زنگی به دیگر فرمانروایان وقت را نیز می‌نوشت (آیتی، ص ۸۸؛ می‌خواند، ج ۴، ص ۶۰۸-۶۰۹؛ خواندمیر، ص ۲۳۷-۲۳۸، فسانی، ج ۱، ص ۳۲). گویا در همان عهد

وزارت، یک بار هم به سفارت نزد سلطان محمد خوارزمشاه رفته است و در این سفر، سلطان خوارزمشاه مقام وزارت خود را به او پیشنهاد کرده (خواندمیر، ص ۲۳۸). پس از مرگ سعد بن زنگی و به حکومت رسیدن پسرش، ابوبکر، همین امر بلای جان عمیدالدین گشت و ابوبکر، هر چند پادشاهی دانش دوست و دین‌دار بود، از بیم قدرت یافتن روزافزون عمیدالدین، او را به بهانه ارتباط با خوارزمشاهیان ابتدا زندانی کرد و سپس کشت (قزوینی و اقبال، ص ۵۱۸-۵۱۹؛ آیتی، ص ۹۲). عمیدالدین در ادب فارسی و عربی متبحر بود و به هر دو زبان شعر می‌سرود. و صاف دیوان اشعار او را دیده است (آیتی، ص ۸۷ و ۹۱) و شاعران نام‌آوری همچون کمال‌الدین اسماعیل و رفیع‌الدین لُبنانی او را ستوده‌اند (قزوینی و اقبال، ص ۵۲۶). از آثار به‌جای مانده از این وزیر ادیب و دانشمند می‌توان به این موارد اشاره کرد: مکاتبات وی با امام فخر رازی - حاوی مطالب علمی - (همان، ص ۲۱۵-۲۱۶)، «قصیده اشکنوائیه»، که به قصیده حبسیه و عمیدیّه نیز شهرت دارد (همان، ص ۵۱۷-۵۱۸)، و نیز نامه مفصلی به زبان فارسی که وی از قلعه اشکنوان به بزرگان حکومت فارس نوشته و در آن شرح گرفتاری‌های خود را نقل کرده است (همان، ص ۵۲۳-۵۲۶). او در آبادانی ایالت فارس کوشش‌ها ورزید و از دانشمندان و بزرگان دستگیری می‌کرد. مدرسه عمید یا عمیدیّه را در محله درب اصطخر (= دروازه اصفهان امروز) بنا نهاد که از جمله مدارس معتبر شیراز بود (زرکوب، ص ۷۹؛ جنید شیرازی، ص ۳۵۵-۳۵۶، ۴۲۶-۴۲۷).

شیوه کتابت محمود بن محمد اصفهانی در دستورالوزاره

به وضوح و صراحت نمی‌توان تاریخ تألیف دستورالوزاره را تعیین کرد، لیکن از روی قراین می‌توان تخمین زد که کتاب بین سال‌های ۵۹۵ تا ۶۱۰ تدوین یافته یا قسمتی از آن قبل از ۵۹۵ و ابوابی بعد از این تاریخ تدوین شده است؛ در هر صورت، تاریخ تدوین از ۶۱۰ فراتر نمی‌رود. آخر باب دهم کتاب ناتمام مانده است و، بدون اشاره به نام کاتب و تاریخ کتابت، با این جمله تمام می‌شود: «شریف و وضع...».

دستورالوزاره اصفهانی بیشتر به گونه پندنامه‌ها و اندرزنامه‌ها تألیف شده است و عمدتاً جنبه اخلاقی و تهذیبی دارد. از این جهت، بیش از آنچه به سنخ کتاب‌های تاریخی نزدیک شود، به طراز کتب اخلاقی و پندنامه‌ها مطرز می‌گردد.

اصفهانی در روایت تاریخ و نیز آوردن امثله و شواهد به‌کاررفته در متن گاهی به منابع مکتوب مورد استفاده‌اش اشاره می‌کند: «در کتاب احاسن الکلام فی محاسن الکرام خواندم که...» (اصفهانی، ص ۸۷)؛ «از جمله اشعار عضدالدوله، دیوانی یافتم در فارس، قریب پنج هزار بیت» (ص ۹۴)؛ گاهی منابع شفاهی

و شنیداری داشته است: «از مشایخ ثقات شنیدم که...» (ص ۱۰۱)؛ بعضاً نیز از «الواح حافظه» یاری جسته است: «از اشعار او سفینه خاطر مشحون بودی، اما دست زمانه آن جمله از الواح حافظه بسترده و این دوبیتی بر حاشیه خاطر مانده بود...». (ص ۱۰۰)

دستورالوزاره نثری استوار و یکدست دارد. فراوانی واژگان، ترکیبات و امثله عربی (از آیات و روایات و احادیث و اشعار و...) خوانش متن را دشوار و پُردست‌انداز کرده است و در خلال کلام یا روایت نیز ایجاد تعلیق می‌کند. استفاده از هنر سازه‌های بدیعی و تصاویر بلاغی نیز در متن پررنگ است، اما به افراط و اطناب کشانده نشده و از این حیث به پای سایر کتب نثر فنی نمی‌رسد. بنای کتاب بر ده باب نهاده شده است و نویسنده در هر باب یا از حاکمان و وزرای نیک‌نفس و خوش‌نام مذکور در تاریخ و سیره آنان یاد می‌کند یا به روش دستورنامه‌نویسان و اندرنامه‌پردازان، با زبانی تعلیمی، از بایستگی‌ها و مهارت‌های اخلاقی و رفتاری در مواضع مختلف حکومتی و دیوانی سخن می‌گوید.

۳. تحلیل لایه‌های سبکی دستورالوزاره

سطوح و واحدهای تحلیل در زبان، که بررسی سبک‌شناسانه را سازمان‌دهی می‌کنند، عبارت‌اند از: لایه آوایی، لایه واژگانی، لایه نحوی، لایه بلاغی، لایه کاربردشناسی و لایه ایدئولوژیکی. دانش زبان‌شناسی هر یک از این لایه‌ها را با روش‌ها و ابزارهای ویژه‌ای بررسی می‌کند. در ادامه به تحلیل لایه‌های سبکی دستورالوزاره پرداخته‌ایم:

واژگان نشانه‌دار

وجود معانی ضمنی و تداعی‌های مثبت و منفی در واژه‌های نشان‌دار سبب می‌شود این واژه‌ها در بردارنده نگرش مشخص و تلقی ایدئولوژیک باشند؛ از این رو، نشانه‌داری بیان‌کننده رابطه بینافردی در کلام است و سطوح سبکی را بیان می‌کند. میزان استفاده از لغات بی‌نشان و نشان‌دار را می‌توان معیار روشنی برای شناسایی سبک، انعکاس فردیت، دیدگاه روایی و تعیین میزان دخالت نویسنده در متن یا بی‌طرفی وی دانست. «این دسته از واژه‌ها، علاوه بر دلالت بر یک مفهوم خاص، در بردارنده معانی ضمنی و مفاهیم ارزشی نیز هستند که نگرش و طرز تلقی نویسنده و گوینده را در خود دارند» (شمیسا، ص ۱۵-۱۶). «نوع رمزگان در لایه واژگانی و نقش آن رمزگان در متن میزان وابستگی و دل‌سپردگی نویسنده به گفتمان‌های مسلط و نسبت او با ایدئولوژی‌ها و نهادهای قدرت را مشخص می‌کند. البته گاه بیان هنری سخنور در حدی است که تن به سلطه گفتمان‌های اقتدارگر نمی‌دهد». (فتوحی، ص ۲۶۰)

رمزگان

رمزگان اطلاعات بسیار مهمی از کدهای اندیشگانی و گفتمان متن را در اختیار می‌نهد: «رمزگان از اصطلاحات کلیدی نشانه‌شناسی است. هر رمزگان نظامی از دانش است که امکان تولید، دریافت و تفسیر متون را فراهم می‌کند و بیشتر بافت‌بنیاد و فرهنگ‌بنیاد است. زبان بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین رمزگان است، زیرا همه رمزگان‌های دیگر، از جمله رمزگان‌های آداب، پوشاک، غذا، اطوار، اشارات، نظام‌های حرکتی و غیره، به‌واسطه زبان قابل توصیف است.» (سجودی، ص ۱۵۰)

جدول ۱ توزیع فراوانی رمزگان

رمزگان اخلاق و خردگرایی	رمزگان ادب / هنر / علوم	رمزگان مذهبی-عرفانی	رمزگان حکومتی
نجابت	فضل	شرعیات	پادشاه
شرافت	دانش	ریاضت	حکومت
حصافت	علم	مصالح شرعی	قانون
معدلت	تفسیر	کشف	مصالح ممالک
نیک‌سیرتی	تأویل	غیب	مناصب
فضایل نفسانی	علم‌الرجال	شریعت نبوی	وزیر
مکارم عادات	مناظره علمی	فقیه	محتسب
محاسن اخلاق	لغت	مجاهدت	دیوان
طهارت	کلام	الفقر فخری	وزارت
آزادمردی	خط	درویشی	استیلا
صلابت	موسیقی	دعای مستجاب	حاکم
شرف	حدیث	ابدال	سیاست
حلمی	نظم و نثر	طریقت	
مناصحت	معانی ابکار	دیانت	
سجاحت	منطق	حسن بصری	
عقل	صنعت اکسیر	فضیل عیاض	
رای	رباعی		
تدبیر	غزل		
تتقفظ	خوانندگی		
تنبه	بلاغت		
تدبیر	فصاحت		
	نحو		

برای معنی‌دار کردن جست‌وجوی رمزگان در متن دستورالوزاره، رمزگان این کتاب را در چهار شاخه به ترتیب زیر جستیم:

تحلیل رمزگان کاربردی در لایه واژگانی دستورالوزاره نمایانگر گرایش کامل به سمت خردورزی و اخلاق‌گرایی است. گزینش غالب مؤلف از رمزگان‌ها و کاربرد آن در متن جهت‌گیری معناداری به سمت معیارهای اخلاقی و خردگرایانه دارد. جایگاه عقل و خردورزی در این کتاب مقدم بر تمام فضایل دولتمردان (و اصولاً انسان) است. اصفهانی شرط انسانیت را خردورزی و دانش‌اندوزی می‌داند و با استشهاد به حدیث نبوی «کن عالماً او متعلماً او محباً لهما» (ص ۷۵)، می‌نویسد: «هر که از این سه طایفه بیرون است، نه فضایل انسانیت دارد، نه خاصیت بهایم که آخر کاری را نمی‌شاید». (ص ۷۶)

در باب سوم، وقتی خصلت‌های ده‌گانه لازم برای وزیران را برمی‌شمارد، رتبه اول را به خرد و علم‌آموزی می‌دهد: «الخصلة الاولى: العقل و هو جوهر الاشیا و فيه قوة مالكة لقوى النفس و لسان الاحساس به منزلة ضوء الشمس... على الحقيقة، عقل پدری است، علم قرّة العین او» (ص ۳۵-۳۶). تأکید اصفهانی بر عقل و خردگرایی در میان وزارت‌نامه‌های فارسی بی‌نظیر است. از دیدگاه اصفهانی، متحلی بودن به خرد و انواع دانش و نیز آراستگی به ادب و هنرهای متنوع جزو بایستگی‌های حکومتیان و اولیای امر است:

مبدعات تصانیف او در شیوه ترسّل جمله مصنوع در تجنیس و تطبیق و متضاد و تلفیق با مواضع اقدار و تراکم اعدار که قلابد این فواید در گردون روزگار باقی است... و خطی چون نقش مانی و نگار ارتنگ». (ص ۹۵)

...پادشاهی بود که در انواع حکمت و طب و نجوم بی‌نظیر بود (ص ۹۸).

در علم خلاف از امثال خود ممتاز و در شیوه وعظ هیتی خوب و غزل‌های رقیق انشا کردی و صوت آن خود بنهادی و به‌آواز خوش برگفتی (ص ۱۰۱).

نویسنده در باب نهم، با عنوان «در نشر فضایل و حصر رذایل»، به‌گونه مبسوط به مبانی نظری فلسفه اخلاق می‌پردازد: «در حدّ و حقیقت، اخلاق-حکمت عملی کمال نفس است که به استمرار ریاضت حاصل گردد» (ص ۱۱۷). به همین ترتیب، اصول فضایل اخلاقی را «حکمت، شجاعت، عفت و عدالت» و اصول رذایل را «خب [فریبکاری]، بله، تهوّر، حرص، شره، جمود، ظلم و انظلام [ستم‌کشی]» (همان) برمی‌شمارد و حکمت دو برابر بودن تعداد رذایل را نسبت به فضایل در این نکته می‌داند که هر فضیلت حدّ و اوسط دو رذیله است: «حکمت وسط است میان خبّ و بله، شجاعت وسط است میان تهوّر و جبن و عفت وسط است میان ظلم و انظلام». (همان)

علاوه بر مبانی نظری اخلاق و خردگرایی، اصفهانی، در روایت خود از تاریخ وزارت و وزرای حکومت‌های مسلمان، بیش از هر چیز در ذکر حوادث زندگانی وزرا به سیره عملی و مناسبات اخلاقی آنان توجه دارد و، بیشتر از تخصص‌های دیوانی، مهارت‌های شغلی و توانایی‌های مدیریتی یا حتی عامل به فرایض شرعی بودن یا نبودن بلندپایگان حکومتی، به کنش‌های اخلاقی و عاملیت آنان به مفاهیم متعالی انسانی (عدالت، کرم، رحمت، مروت، وفاداری، جوانمردی، خطاپوشی و...) می‌پردازد: «العباس بن محمد، وزیر الرشید، دیوان خلافت را وزیر بود گشاده‌روی، گشوده‌دست، ستوده‌سیرت، نیکوسریرت، دریادل و به غایت عادل» (ص ۶۰). یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد دستورالوزاره، در میان سایر وزارت‌نامه‌های فارسی، آن است که نویسنده اثر، عالماً و عامداً، به ذکر محاسن و فضایل اخلاقی گرایش بیشتری دارد و چندان میلی به بازگویی رذایل و پلیدی‌ها در این متن دیده نمی‌شود (این مسئله از جنبه گفتمان انتقادی متن کاسته و بر جنبه اخلاقی آن افزوده است). در میان محسنات اخلاقی ذکر شده در خلال روایات و حکایات این اثر، بیشترین بسامد اختصاص به صفت کرم و احسان (صله‌بخشی) بزرگان دارد و نویسنده از بخشش‌ها و صلوات فراوان امرا و وزرا حکایات بسیاری نقل می‌کند؛ مثلاً حکایت می‌کند که چگونه مأمون بن هارون الرشید سه شهر به پادشاه بیت شعر، که شخصی در محضر او قرائت کرد، به او هبه کرد: «فی‌الجمله، سه شهر معظم به سه شاه‌بیت، که در آن راوی بود نه منشی، او را معین مقنن فرمود» (ص ۸۸). این صفت را بایستی با خصلت علم و هنرپروری و ادب‌دوستی امرا و وزرا پیوند داد که جایگاه دوم فراوانی را در فضایل اخلاقی برشمرده برای بزرگان حکومتی داراست: «تربیت و حسن عنایت او در حق ارباب علوم و اصحاب معنی، چنان‌که در عهد مبارک او معهود بوده است، در هیچ تاریخ نیاورده». (ص ۸۶)

رمزگان عقیدتی و دینی رتبه نخست بسامد رمزگان را در متن دستورالوزاره ندارد و پایین‌تر از رمزگان‌های اخلاقی، خردگرایی و نهادهای دانش و هنر قرار می‌گیرد. اگرچه متن مشحون از استشهاد به قرآن، سنت و حدیث نبوی و روایات فقها و علمای مذهبی است، در ساختار نگارشی مؤلف به چهارچوب و بدنه حکومتی کمتر نشانی از نوع ایدئولوژی مذهبی دیده می‌شود و شواهد پیش‌گفته نیز بیشتر در تأیید موازین اخلاقی و خردورزی است تا رعایت شرایع. نتیجتاً، اصفهانی کمتر رغبتی به سخن گفتن در موضوع اعتقادات یا عملکرد مذهبی طبقه دولتیان نشان می‌دهد. رمزگان‌های مربوط به نهادهای حکومت و سیاست در پایین‌ترین مرتبه رمزگان متن قرار دارند. شاید علت این امر را بتوان در شخصیت غیرحکومتی و عدم وابستگی مؤلف به نهادهای سیاسی و حکومتی دانست. اصفهانی تنها در یک جا از متن، با جبهه‌گیری سیاسی صریح، از ذکر تاریخ امویان عبور می‌کند (از خلفای راشدین به عباسیان می‌رسد و از ذکر دوره اموی ابا می‌کند) و دلیل این امر را

چنین بازمی‌گوید که بر طبق فرمایش نبوی: «الخلافة بعدی ثلاثون»، خلافت بعد از پیامبر سی سال بوده است و این سی سال مهلت خلافت با شهادت علی^ع به پایان رسیده: «فزت وربّ الکعبه که مرتضی گفت خاتمه سی سال بود که مصطفی فرمود؛ و خلافت به وفات او منقضی گشت» (ص ۸۰-۸۱). به همین ترتیب، با انتساب خاندان عباسیان به «سلالات اهل عبا و اولاد رسول و بتول»، به حکومت آنان مشروعیت بخشیده و از اغلب خلفا و وزرای این حکومت به تفصیل و با احترام یاد می‌کند (ص ۹۴). به نظر می‌رسد اعتبار و جایگاه خلفای عباسی در این اثر، به واسطه مناسبات سیاسی بین حکومت اتابکان فارس (دولت متبوع نویسنده) و عباسیان، پررنگ‌تر شده است.

شاخص

شاخص «صورتی از ارجاع است که وابسته به بافت گوینده است، اصطلاحی است که از کلمه یونانی به معنی نشانه‌گذاری اخذ شده است و با استفاده از ابزارهای زبان‌شناختی برای تعیین محل و مکان‌یابی هویت در بافت مکان اجتماعی، مکانی-زمانی و گفتمانی استفاده می‌شود» (شیبانی‌اقدام، ص ۸۱-۸۲). شاخص همان القاب و عناوینی است که برای کلمات به کار گرفته می‌شود و کمک می‌کند تا نظرگاه گوینده در مورد مسائل پیش گفته، که اجزای اصلی هر نوع روایت سرگذشت‌نامه‌ای است، مشخص‌تر شود:

جدول ۲ توزیع فراوانی شاخص‌ها در دستورالوزاره

شاخص زمان	شاخص مکان	شاخص شخص
-	دارلملک (شیراز)، سریر سلیمان ثانی (شیراز)، عدل‌آباد (شیراز)	ذوالریاستین (لقب فضل بن سهل)، صدیق عتیق (لقب ابوبکر)، حبر امت (لقب عبداللّه بن عباس)، امیرالمؤمنین (علی)، نظام‌الملک ثانی (لقب عمیدالدین)

شاخص اسم - در شکل عناوین و القاب درباری برای اشخاص - در دستورالوزاره بیش از سایر شاخص‌هاست که، با توجه به محتوای اثر، عادی و قابل‌پیش‌بینی به نظر می‌رسد. شاخص‌های اسمی، که به شکل القاب بعضاً متوالی و پیاپی در متن وارد می‌شود، منبعث از انگاره‌های اندیشگانی و ایدئولوژیکی نویسنده است؛ مثل اطلاق لقب «عدل‌آباد» به خطّه فارس، که با توجه به واقعیت‌های تاریخی عهد اتابکان، بسیار معنی‌دار به نظر می‌رسد و در مقابل شاخص

مکانی «وحشت‌آباد» یا «دارالاحزان» برای نامیدن خانمان پیشین مؤلف (در عزلت و خمول قبل از راه یافتن به دربار اتابکان). یا شاخص «نظام‌الملک ثانی» در ذکر عمیدالدین (وزیر متبوع نویسنده)، که نشانی از احترام ویژه مؤلف (متأثر از بافت اجتماعی) برای وزیر ایرانی و پرآوازه سلجوقیان، خواجه نظام‌الملک طوسی، است. یا کاربرد القاب نعتی، اختصاصاً برای اولین امام شیعیان، که ارادت خالصانه‌ای را بدان حضرت و اهل بیت رسول به تماشا می‌گذارد: «امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب، کرم‌الله وجهه، امام مرتضی، ولی حضرت خدا، شیر بیشه جلال، علی اسدالله...» (ص ۷۸). اما به طور کلی، تکیه بر اشخاص یا مکان‌ها و زمان‌های روایت تاریخی، از طریق برشمردن القابی برای آن، در متن دستورالوزاره و نهادن منظوره‌های گفتمانی خاص در پس این القاب چندان پررنگ و پرسامد نیست و اصفهانی به سرعت از این اجزا عبور می‌کند تا به بخش مدنظر خود، که همان تکیه‌گاه‌های اخلاقی با انگشت نهادن بر فضایل اخلاقی است، برسد.

واژه‌های حسی و ذهنی

واژگان ذهنی یعنی واژگانی که بر عقاید، کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی دلالت دارند و متن را به سمت انتزاعی شدن و عدم وضوح و شفافیت پیش می‌برند، اما واژگان حسی بر وضوح متن می‌افزایند. در دستورالوزاره غلبه واژگان حسی بیش از واژگان ذهنی است و این نشان‌دهنده صراحت نیت مؤلف در گزارشگری تاریخ است، اما تعداد واژگان ذهنی مربوط به معارف دینی یا معقولات اخلاقی نیز در متن این کتاب به میزان قابل توجهی است. این کلمات، به جهت نقش زیربنایی‌ای که در فرهنگ و اعتقادات مخاطب دارند، بسیار برای او آشنا به نظر می‌رسند و از نوع نمادها یا استعارات پیچیده انتزاعی نیستند که موجب ابهام یا ذهن‌گرایی متن شوند. بیشترین سهم از واژگان ذهنی در متن دستورالوزاره در بخش مربوط به دلالت‌های اخلاقی، حکمی و مذهبی جای دارد و برگرفته از ایدئولوژی مذهبی و اعتقادی نویسنده است.

جدول ۳ توزیع فراوانی واژگان حسی و ذهنی در دستورالوزاره

واژه‌های حسی	واژه‌های ذهنی
تیر، اسب، رخ، فیل بند، زهر، چشم، آب، تن، شربت، در، بحر، دست، میوه، زیور، دهان، ناخن، ژنده، جامه، طعام، ورق، رخساره، اشک، جوشن، نهال، دوات، زره، عنبر، شراب، سکنجبین، قفسی آهنین، بند، نقره، لگام، سواقی، خوی (عرق کردن)، اصداف، لؤلؤ، حجر، دینار، ترنج، آینه و...	جان، شبهت، طبع، خاطر، سیادت، تیقظ، ریبت، شره، نومیدی، عنایت، رستگاری، سعایت، غمز، باطن، قلق، ضجرت، نخوت، نهمت، صبر، اسرار، عزیمت، اریحیت، کیاست، حذاقت، عقل، تدبیر، خسیس، سخا، فحول، دهات، عالم معانی، فضل، رزانت، غرور، وهم، اندیشه، اسرار غیب و...

تحلیل لایه نحوی دستورالوزاره

گذشته از واژگان متن، روابطی که بر نحو آن حاکم است نیز عقاید، باورها و ایدئولوژی صاحب اثر را بازتاب می‌دهد. منظور از بررسی نحوی بررسی قواعد حاکم بر شیوه ترکیب واژگان و شکل گرفتن جمله‌ها در یک زبان است. در برخی از دیدگاه‌ها، نحو از بررسی کیفیت چینش واژگان و رابطه آن‌ها با دیگر عناصر جمله فراتر می‌رود و، علاوه بر بررسی طول جمله‌ها، در سطحی بالاتر، به بررسی رابطه جمله‌ها با هم نیز می‌پردازد (فتوحی، ص ۲۶۹). در سطح نحوی، عناصر نحوی بارزی در متن مورد تحلیل قرار می‌گیرند، عناصری از قبیل لایه نحوی گسسته و پیوسته (وابسته)، ساده و مرکب بودن جملات، صدای نحوی فعال و منفعل، وجهیت، قطعیت و

جملات گسسته و پیوسته و جملات ساده و مرکب

برای تحلیل‌های گفتمانی از متن، تعیین کوتاهی و بلندی و پیوستگی یا گسستگی جملات می‌تواند بسیار اثرگذار باشد هر کدام از این کارکردها، نشانه‌هایی از نحوه تفکر و تعامل گوینده با آنچه از آن سخن می‌گوید را به نمایش می‌گذارد: «جمله بلندترین واحد سازمانی در نحو است و اگر هر ساخت نحوی شکلی از یک واحد اندیشه باشد، می‌توان از رهگذر بررسی بلندی و کوتاهی جمله‌ها، ساخت اندیشه و سبک و حالات روحی گوینده را تحلیل کرد، زیرا طول جملات نسبتی با میزان درنگ و تأمل گوینده در یک واحد فکری دارد» (همان، ص ۲۷۵). اصفهانی در روایتگری متن خود شیوه‌ای معتدل در پیش گرفته است و کوتاهی یا بلندی جملات و پیوستگی یا گسستگی عبارات را مقتضای حال و کلام تعیین می‌کند. همچنین، میزان مکث نویسنده در روایتگری (زمان روایت)، ذکر مترادفات و انواع حشوها و اطناب‌ها، علاوه بر آنکه در کل اثر اعتدال مدیریت شده دارد، رابطه‌ای مستقیم نیز با زمان واقعه دارد. از این لحاظ، می‌توان نحو اثر را نحوی سالم و برآمده از اقتضای سخن و محلّ کلام دانست که در آن هم جملات کوتاه و بلند و هم جملات گسسته و پیوسته سر جای خود نشسته است:

چندان که فضل را سر به بالین نرسیده بود و هنوز بادام چشمش با شکر خواب بر طبق آسایش نریخته بودند که آشوبی برآمد. از جمله غرایب بدایع، این خانه از آن شیرویه حاجب بود و شش ماه تمام برآمده تا در خراسان به طلب فضل می‌گشت. غصه‌ها کشیده و شربت‌های کربت غربت چشیده، آن لحظه بر مرکب نومیدی روی به وطن آورده. چون پای در خانه بنهاد، شخصی را دید بر دکان دهلیز خفته، به آستین احتراز روی خود پوشیده... (اصفهانی، ص ۵۶).

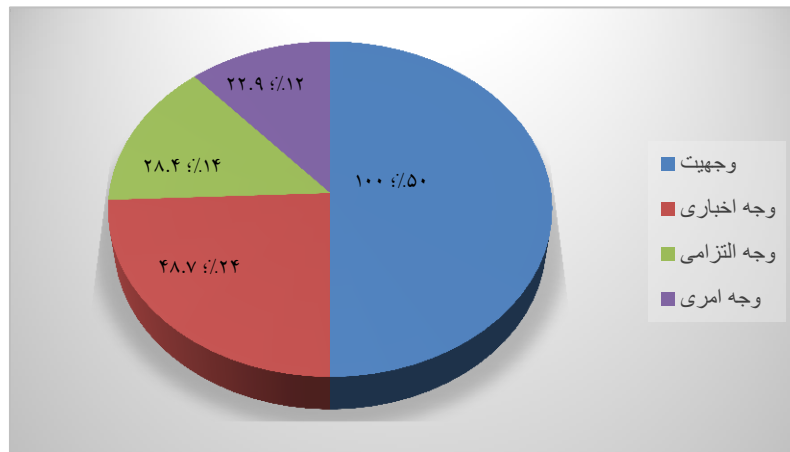
و از احمد بن طاهر آمده است که وقتی در موکب یحیی بن خالد می‌رفتم و فرصت خلوتی را مترقب بودم که سوانح مهمی چند عرض دارم. از ناگاه صید مقصود در دام افتاد و زحمت جمعی که بدو محفوف و مخصوص بودند منجلی گشت. مرکب فرصت را پاشنه زدم. به خدمتش راندم. فصلی از

غصه که بود بر او خواندم. گفت در چنین جای چندین حاجت نیابی، عرض داشتن سبب تبرّم شود.
(همان، ص ۴۵)

وجهیت

وجهیت ابزاری است که مؤلف با آن درجه تعهد و التزام و قاطعیت خود را نسبت به گزاره‌هایی که ایراد می‌کند نشان می‌دهد. وجهیت نحوی نشان می‌دهد که واکنش مؤلف در قبال پایبندی به واقعیت یک گزاره از چه نوع است: اعتماد و باور کامل، شک و تردید، تمنا و آرزو یا تحکم و اجبار. وجه کلام در گفتمان قادر است نوع مناسبات قدرت و ایدئولوژی را به نمایش بگذارد. وجهیت کلام در ابعاد اخباری، التزامی، تمنّایی، معرفتی و عاطفی قابل ره‌جویی است (فتوحی، ص ۲۸۴-۲۹۵). در متن دستورالوزاره، از جنبه وجهیت، غلبه با وجه اخباری است؛ یعنی همان وجهی که از التزام و باور کامل مؤلف به گزاره‌های گفتمانی مشخص — نظیر تعهد کامل به مناسبات قدرت و پایبندی به باور مذهبی و انگاره‌های عبرت‌آموز و نیز معاداندیشی وی — نشأت یافته است:

خاتمه دهات وزرا و کفات فضلا به رکن کعبه معالی و صدر مسند معانی نظام‌الملک ثانی کرده شد و غرر فضایل که در قصص امثال وزرای ماضی روح الله ارواحهم و اورث الصّاحب الکبیر اعمارهم مقنن است در میامن ناصیه ملک الوزراء مبین و معین می‌توان دید. و انصاف، روزگار دولت او مجموع مراتب و مناصب و ینوع لطایف مناقب است و ثنایی که در حق ذکر آن مکلف است ایراد آن درو محض حقایق و مستدعی همه ثناهای لایق است. (اصفهانی، همان، ۷۴)



نمودار ۱ توزیع فراوانی وجهیت در دستورالوزاره

تحلیل لایه بلاغی دستورالوزاره

بلاغت به این مسئله توجه دارد که امور چگونه بازنمایی می‌شوند. اگر ایدئولوژی را محتوا بدانیم، صناعات بلاغی غالباً تابعی از محتوای متن هستند و عمیقاً در شکل دادن به واقعیات دخالت دارند. نویسنده ایدئولوژیست، جهت تقویت معانی مورد نظر خود، توجیه‌گری، استدلال و اقناع مخاطب، با استفاده از صنایع بلاغی، منظوره‌های ثانوی‌ای نظیر بزرگ‌نمایی، تحقیر، مبالغه، کنایه، تهکم و امثال آن را در متن وارد می‌کند. این صناعات، در کنار تقویت معانی اندیشگانی و ارزشی موجود در متن تاریخی، بر ادبیت متن تاریخی می‌افزاید و علی‌الخصوص قاطعیت در مدح موافقان منظور نظر مؤلف و ذم مخالفان و همچنین التزام به نظام ارزشی و گفتمانی مؤلف را در مسیر دعوت به خیرات و اجتناب از مکروهات و شروریات تحکم می‌بخشد.

در متن دستورالوزاره، از میان هنر‌سازهای بدیعی، علاوه بر آرایه‌های حاصل از تکرار (واج‌آرایی، تجنیس، تسجیع، تکرار و تکریر و...) که موجب زیب و زیور ظاهر کلام است و بر بار موسیقایی متن می‌افزاید و بعضاً موجبات تقویت لحن را هم فراهم آورده است—صنایعی که در خدمت استدلال و استشهاد است، نظیر اقتباس، تضمین، تلمیح و تمثیل و ارسال‌المثل، بیشترین کارکرد را دارند. بهره‌مندی از این گونه هنر‌سازها، در کنار تحکیم و تأیید منظوره‌های گفتمانی، موجب افزایش پیوندهای بینامتنی نیز در این اثر بوده است:

و این ضعیف، چون از تحمل این تعامل بی‌طاعت شد، الفرار ممّا لاطاق عمدۀ حرکت خود ساخت، تا آن چنان شهر از غصه ناهلان شریر کما قیل جنۀ ترعاه الخنازیر ترک کرد... و اندیشه بود که به نصابی که از هنر هست، نصیبی از راحت توان یافت و در خور مایه، پایه به دست توان آورد: فمن استوی یوماه فهو مغبون. (همان، ص ۲۱-۲۲)

اصفهان‌ی در نگارش دستورالوزاره از اغلب ابزارهای بلاغی به فراوانی بهره می‌برد. تصویرهای بلاغی این متن در بیشتر مواقع جزوی از تکلفات مرسوم نثر فنی است، تصاویری که تقریباً جزو عادات قلمی نثرنویسان درآمده است و از شدت استعمال، بخشی از زبان خودکار نثر و بدون هیچ برجستگی و پویایی به نظر می‌رسد:

پیوسته ملوک روزگار چنان بوده‌اند که با شعشۀ انوار فضل ایشان، ظلمات جهل منکسف و با رای روشن ایشان، نیر اعظم منکسف بوده است و أفنان دوحه شرف ایشان به فنون معانی مزهر. (همان، ص ۷۶)

در این حالت، ابزارهای بلاغی، به جای ایفای نقش خودکار و طبیعی خود در جایگاه ایضاح،

توجه‌گری، استدلال و بحث‌های اقناعی و ایدئولوژیکی، شکل تصنع و تکلف پذیرفته و بی‌مصرف افتاده‌اند:

این نظم حالی [آراسته] و عقد گرانها گردن و گوش عرایس معانی و نفایس الفاظ دلاویز را بشاید، تسلّیت غم‌زدگان مششدر نوایب دوران فرموده که از پس شب‌های حوادث البتّه صبح پیروزی بر بام سعادت دمدم... و از دُر کلمات او که غوّاص فطنت به دست اندیشه از صدف خاطرش بیرون آورده است و تاج تخلید ذکرش بدان مرضع داشته آمد این است... (همان، ص ۷۷-۷۸)

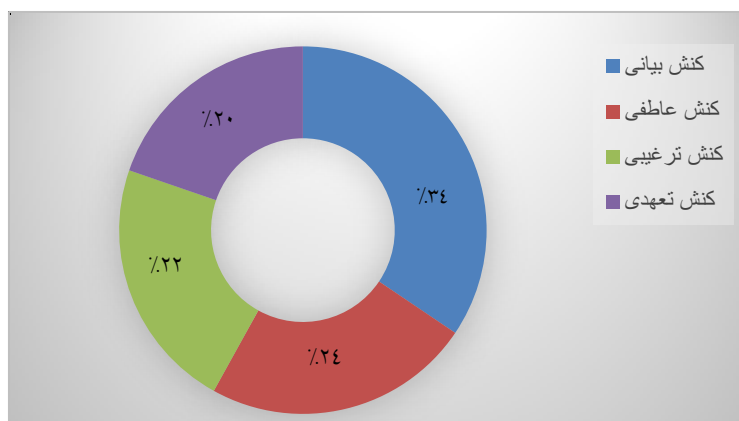
یکی از دلایل این امر، همچنان که پیش‌تر نیز گفته شد، ممکن است این مسئله باشد که نویسنده اثر خود وابسته به دربار، دیوانی یا اهل سیاست نیست و اتفاقاً در متنی که می‌نگارد و با انتخاب‌هایی که از تاریخ دیوان‌سالاری، خلافت، سلطنت و وزارت انجام داده است، به صراحت نشان می‌دهد که قصد دارد متنی بدون هر گونه سوگیری و تعصب و صرفاً دستورنامه‌ای و حکمت‌آمیز بنگارد تا شائبه‌ای از مخالفت با یک فرقه، گروه یا عقیده یا انتقادی از شخص و گروه‌های مختلف سیاسی و عقیدتی در آن یافت نشود. بهترین شاهد این مدعا بی‌طرفی نویسنده در میان دو تفکر سنی و شیعی است. در فصل پنجم، جایی که نحوه و معیارهای گزینش خود از میان تاریخ عظیم و گسترده امرا و وزرا را برای درج و نقل در این کتاب شرح می‌دهد، می‌گوید که ابتدا از تاریخ خلافت ابوبکر صدیق و علی^ع کار خود را آغاز خواهد کرد «تا نه روافض ما را به نصب رفع کنند، نه نواصب به جزالتقیل کسری و وهنی به لشکر ایمان که فتح‌الباب معظم مسلمانی است توانند آورد» و در ادامه، با رعایت تساوی کامل، هم‌چندان که از کرامات خلیفه اول سخن می‌گوید، به همان نسبت به نعت امیرالمؤمنین علی^ع و اثر عظیمش، نهج‌البلاغه، و فرزندانش حسن و حسین (ع) می‌پردازد و روایات و اشعار بسیار در مناقبشان یاد می‌کند. او همین رویه را در مورد فرق بزرگ اهل تسنن در پیش می‌گیرد و از ابوحنیفه نعمان بن ثابت (پیشوای حنفیان) با همان احترام و اکرامی نام می‌برد که از ابو عبدالله محمد بن ادریس شافعی (امام شافعیان) یاد می‌کند. (ص ۷۷-۷۹)

لایه کاربردشناسی

در لایه کاربردشناسی، به بررسی چگونگی ارتباط نویسنده با مخاطب در لایه‌های زیرین متن پرداخته می‌شود. آنچه در بخش کاربردشناسی بیش از سایر مسائل مورد توجه سبک‌شناسی انتقادی قرار می‌گیرد توجه به نوع نظام‌های گفتمانی موجود در متن است. نظام گفتمانی غالب بر وزارت‌نامه‌ها اغلب از نوع نظام گفتمانی کنشی است که در آن‌ها سه واژه کلیدی کنش، ارزش و تغییر برای تبیین هر چه بهتر نظام روایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. «در گفتمان‌های کنشی، با ابژه‌های

ارزش‌محور مواجهیم که کنش‌گرانی در پی تصاحب آن‌ها هستند» (شعیری، ص ۱۹-۲۷). در گفتمان ایدئولوژیستی و قدرت‌محور، ارزش از آن صاحب ایدئولوژی و قدرت است که قصد حفظ، اشاعه یا تبلیغ و صدور آن را دارد. بدین جهت، در این نوع نظام‌های گفتمانی، کنش‌گر اغلب دارنده و مدعی ارزشی است که با توجیه و دلالت بر آن تمایل دارد دیگران را نیز به سمت آن جذب کند. در این نظام گفتمانی، همچنان که در نمودار ۲ مشخص شده است، از میان انواع کنش‌های گفتمانی، پس از کنش بیانی یا تصریحی و اظهاری (تولید عبارات و جملات معنادار به منظور بیان یک واقعه یا گزارش یک فرایند)، که در تاریخ‌نویسی و هر نوع روایت دیگر به گونه ذاتی بیش از دیگر کنش‌ها کارکرد دارد، به شکل معنی‌داری غلبه با کنش تأثیری یا ترغیبی است. در این کنش، گوینده می‌کوشد مخاطب را برای انجام کار یا پذیرش امری با خود همراه و هم‌رأی سازد. بنابراین، می‌توان نظام حاکم بر گفتمان دستورالوزاره را در گفتمان کنشی-ترغیبی دسته‌بندی کرد. در درجات بعدی کنش‌های گفتمانی در لایه کاربردشناسی متن این کتاب باید به کنش تعهدی (ایراد تعهد، سوگند و قول در تأکید انجام عمل) نیز اشاره کرد. نظام ارزشی و نیز کارکرد بیان، توجیه، استدلال، ترغیب و تحذیر در کنش‌های گفتاری متن، هم‌چنان که پیش‌تر نیز گفته شد، از طریق بازگویی پادافره اعمال نیک و بد و توصیف سرانجام و آخر و عاقبت افرادی که اعمال و احوالشان در این تاریخ روایت می‌شود، قابل‌رهجویی است.

هر که مزید نعمت خواهد گو شکر بسیار کن. ... و هر که قربت و منزلت خود در حضرت ملوک خواهد گو تعهد اوقات و حالات او کن؛ و هر که سلامت ذات و صیانت نفس کریم خود خواهد گو عزلت اختیار کن. (ص ۴۹)



نمودار ۲ توزیع فراوانی انواع کنش‌های گفتاری در دستورالوزاره

نتیجه‌گیری

از بررسی لایه‌های سبکی کتاب دستورالوزاره، اثری تاریخی و برجای مانده از عهد اتابکان فارس، به این نتایج دست یافتیم:

۱. در لایه واژگانی، رمزگان اخلاق-حکمت بسامد بیشتری نسبت به رمزگان دینی و حکومتی دارد. علت آن است که اصفهانی در روایت تاریخ وزرا بیشتر به سلوک اخلاقی آنان توجه دارد و کنش‌های رفتاری و شخصیتی وزرا را ملاک تاریخ‌نویسی خود ساخته است.
۲. در لایه نحوی، غلبه با وجهیت اخباری است که بر صراحت و آشکارایی نویسنده و وضوح تکیه‌گاه‌های اخلاقی او دلالت دارد. اصفهانی در این لایه از متن زمام پیوستگی یا گسستگی جملات و مرگب یا ساده بودن آن‌ها را به مقتضای حال و محلّ کلام سپرده است و از افراط در ذکر حشوها و مترادفات، جمله‌های معطوف پیاپی و بیان معنای واحد به طرق متعدّد و مختلف، که موجبات اطناب‌های ممل و معمول نثر فنی را فراهم می‌آورد، اجتناب کرده است. از این لحاظ، متن نحو سالمی دارد و با درون‌مایه و زمان روایت هماهنگ است.
۳. در لایه بلاغی، استفاده فراوان از هنر‌سازهای استدلالی و استشهادی، نظیر اقتباس، تضمین، تلمیح و تمثیل، جنبه‌های گفتمانی متن را تقویت کرده و بنیان‌های بینامتنی آن را افزایش داده است، اما تصاویر بلاغی فراوان متن چیزی جز تکلف و تصنع مرسوم نثر فنی نیست.
۴. در لایه کاربردشناسی و در نظام گفتمان کنشی دستورالوزاره، کنش‌های بیانی و ترغیبی اولویت معناداری برای مؤلف داشته است. اصفهانی، با روایت کنش‌مند ترغیبی در متن این اثر، ارزش‌های اخلاقی و تعلیمی مدنظر خود را به معرض نمایش و دعوت می‌گذارد.

منابع

- آدمیت، فریدون و هما ناطق، افکار اجتماعی، سیاسی و انتقادی منتشرنشده دوران قاجار، آگاه، تهران ۱۳۹۸.
- آفاگل‌زاده، فردوس، تحلیل گفتمان انتقادی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۹.
- آیتی، عبدالمحمّد، تحریر تاریخ و صاف، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۶۴.
- اسکویی، نرگس و زهرا جعفریان، «تحلیل لایه‌های سبکی در آثارالوزراء با رویکرد سبک‌شناسی انتقادی»، پژوهش‌های ادبی، ش ۷۲، تابستان ۱۴۰۰، ص ۹-۳۰.
- ابوالزّجاء قمی، نجم‌الدین، تاریخ‌الوزراء، به تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران ۱۳۶۳.
- اصفهانی، محمود بن محمّد، دستورالوزاره، به تصحیح ذبیح‌الله صفا، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۴.
- بازورث، ک. دارلی، سلجوقیان، ترجمه یعقوب آژند، مولی، تهران ۱۳۸۷.

- بهرام‌پور، شعبانعلی، گفتمان و تحلیل گفتمانی، به کوشش دکتر محمدرضا تاجیک، فرهنگ گفتمان، تهران ۱۳۷۹.
- جعفریان، زهرا و نرگس اسکویی، «تحلیل بازنمایی ایدئولوژی در دستورالوزراء نوشته غیاث‌الدین خواندمیر»، تاریخ ادبیات، ش ۸۳/۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۵-۳۲.
- جعفریان، زهرا و نرگس اسکویی، «سبک‌شناسی انتقادی تاریخ‌الوزراء»، مطالعات زبانی و بلاغی، ش ۲۲، پاییز ۱۳۹۹، ص ۱۰۹-۱۳۶.
- جنید شیرازی، جنید بن محمود، تذکره هزار مزار، به کوشش عبدالوهاب نورانی، کتابخانه احمدی، تهران ۱۳۶۴.
- خواندمیر، غیاث‌الدین، دستورالوزراء، به کوشش سعید نفیسی، اقبال، تهران ۱۳۱۷.
- زکوب شیرازی، احمدبن ابی‌الخیر، شیرازنامه، به کوشش اسماعیل واعظ جوادی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۰.
- سارتر، ژان پل، ادبیات چیست؟، ترجمه ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی، نشر زمان، تهران ۱۳۴۸.
- سجودی، فرزانه، نشانه‌شناسی کاربردی، انتشارات علم، تهران ۱۳۸۷.
- شعیری، حمیدرضا، نشانه - معناشناسی ادبیات، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران ۱۳۹۵.
- شمیسا، سیروس، کلیات سبک‌شناسی، میترا، تهران ۱۳۸۴.
- شیبانی‌اقدم، اشرف، کلیدواژه‌های سبک‌شناسی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، چاپ اول، تهران ۱۳۹۴.
- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، بخش اول، فردوس، چاپ چهاردهم، تهران ۱۳۸۸.
- طباطبایی، سیدجواد، خواجه نظام‌الملک، طرح نو، تهران ۱۳۷۵.
- فتوحی، محمود، سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)، سخن، تهران ۱۳۹۱.
- فسایی، حسن بن حسن، فارسنامه ناصری، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷.
- قزوینی، محمد و عباس اقبال، حواشی و تعلیقات بر شدّ الازار (مزارات شیراز)، مطبوعه مجلس، تهران ۱۳۲۸.
- قنبری، کوروش، میرجلال‌الدین کزازی و غلامرضا سالمیان، «شناخت یکی از متن‌های پنهان دیوان حافظ»، جستارهای نوین ادبی، ش ۲۰۳، زمستان ۱۳۹۷، ص ۹۳-۱۱۵.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه، تاریخ روضه‌الصفاء، به تصحیح جمشید کیان‌فر، اساطیر، تهران ۱۳۸۰.
- نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم، فروغی، تهران ۱۳۶۳.
- نورگارد، نینا، بثاتریکس بوسه و روسیو موتورو، فرهنگ سبک‌شناسی، ترجمه احمد رضایی جمکرانی و مسعود فرهمندفر، مروارید، تهران ۱۳۹۴.

